

هرات پژوهی در شبه‌قاره، پیشینه و گستره

دکتر عارف نوشاهی^۱

چکیده

اهالی هرات یا هری از دیرباز به شبه‌قاره رفت و آمد داشته‌اند و برخی از آن‌ها، آن‌جا منشاء تأثیرات کوچک و بزرگ در عرصه‌های مختلف شده‌اند. در این مقاله بر اساس فهرس نسخه‌های خطی، کتاب‌شناسی‌های آثار چاپی و نمایه‌های نشرات ادواری شبه‌قاره در شش بخش به بررسی هرات‌پژوهی و کارنامه هروی‌ها در این منطقه پرداخته‌ایم. این شش بخش محورهایی چون شناسایی نسخه‌های خطی در باره هرات و از مؤلفان هرات در شبه‌قاره، شناسایی آثار چاپ شده در باره هرات و از مؤلفان هرات در شبه‌قاره، شناسایی مقاله‌های مهم در پیوند با آثار هرات و مؤلفان هرات چاپ شده در مجله‌های شبه‌قاره، سفرنامه‌های هرات به قلم نویسندگان شبه‌قاره، شناسایی دانشمندان، شعرا، عرفا و امرای هرات که به شبه‌قاره کوچیدند^۲، شناسایی محققانی که در شبه‌قاره روی آثار هرات و مؤلفان هرات کار کرده‌اند را شامل می‌شود. بدیهی است این مقاله به عنوان فتح بابی در این موضوع تلقی می‌شود و با دسترسی به منابع بیش‌تر گسترش و تکمیل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: هرات، شبه‌قاره، تاریخ هرات، هرات‌پژوهی.

۱. مدیر اداره معارف نوشاهیه - اسلام‌آباد، arifnaushahi@gmail.com

۲. تعدادی از دانشمندان و هنرمندان هرات همراه ظهیرالدین بابر و نصیرالدین محمد همایون پادشاه به هندوستان رفته بودند. پیش از آن دوره هم تعدادی از دانشمندان هرات چون سیف جام هروی در شبه‌قاره حضور داشته‌اند که ذکرش در ادامه خواهد آمد.



مقدمه

شبه قاره از دیرباز مرکز چاپ و نشر کتب فارسی بوده و قبل از این که در افغانستان مطبعه تأسیس شود، تاجران، کتاب‌فروشان و اداره‌های دولتی افغانستان (مثل وزارت معارف)، سفارش چاپ کتاب‌های خود را به چاپ‌خانه‌های شبه قاره می‌دادند.^۱ حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان (۱۳۵۸ ش./ ۱۹۷۹ م.) و مهاجرت میلیون‌ها شهروند افغانستان به سوی پاکستان، مزید بر علت شد و آثاری مربوط به هرات و از نویسندگان هرات، در پاکستان نشر یافت. نگارنده این سطور تعدادی از این آثار چاپی را در کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) از ۱۱۶۰ - ۱۳۸۶ ش./ ۱۱۹۵ - ۱۴۲۸ ق./ ۱۷۸۱ - ۲۰۰۷ م. (انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۲۰۱۲، چهار جلد) ثبت کرده‌ام و در این گفتار مکرر به این «کتاب‌شناسی» ارجاع داده شده است.

برای شناسایی نسخه‌های خطی آثار مؤلفان هرات در کتاب‌خانه‌های پاکستان، دو منبع اساسی در دسترس است که محققان علاقه‌مند می‌توانند به آن‌ها مراجعه کنند: ۱. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان تألیف احمد منزوی، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۳ - ۱۹۹۷ م.، چهارده جلد که فهرست راه‌نمای جداگانه نیز دارد. ۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان تألیف عارف نوشاهی، (انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۲۰۱۷، چهار جلد). در این فهرست، در بخش نمایه «نام مکان‌ها و نسبت‌های مکانی»، زیر نام (هرات، هراتی، هری، هروی) ۱۰۷ ارجاع آمده است که خود موضوع تحقیق جداگانه‌ای می‌تواند باشد. اما آنچه در جستار حاضر می‌آید، فقط بخشی از کار است و صرفاً به آثاری در باره هرات و از مؤلفان هرات پرداخته شده که در گذشته نزدیک، در شبه قاره چاپ شده است. این جستار در دو بخش آماده شده است. در بخش اول آثار مؤلفان هرات یا در باره هرات به ترتیب زمانی/تاریخی آمده است و در بخش دوم زندگی‌نامه کوتاه برخی محققان شبه قاره نیز به ترتیب زمانی آمده که روی آثار هرات کار کرده‌اند. این بخش از این لحاظ ضروری دانسته شد که شرح حال این بزرگواران در منابع افغانستان کم‌تر دیده می‌شود. هم‌چنین در ضمن، در این تحقیق اشاره شده که چگونه زحمات محققان شبه قاره را، برخی نویسندگان ایرانی به نام خود بسته، در ایران منتشر کرده‌اند!



۱. برای مثال شعر العجم علامه شبلی نعمانی، ترجمه برهان‌الدین خان کشکی، به تصویب ع. ج. فیض محمد خان وزیر معارف، از سوی ریاست دارالتألیف ادبیات وزارت معارف وقت افغانستان، در مطبع فیض عام لاهور، ۱۳۰۶ ق. چاپ شد.



بخش یکم: آثار مؤلفان هرات و درباره هرات

سیف بن محمد بن یعقوب هروی معروف به سیفی هروی (زاده ۶۸۱ق./ ۱۲۸۲م.)

تاریخ نامه هرات را که تاریخ این شهر و ملوک گرت آن جاست احتمالاً در ۷۲۱-۷۱۸ق./ ۲۱-۱۳۱۸م. تألیف کرده است. این کتاب را نخستین بار، محمدزبیر صدیقی استاد دانشگاه کلکته، بر اساس یگانه نسخه باقی مانده از آن در کتاب خانه سلطنتی (مجموعه بوهار) کلکته که گویا به قرن هشتم هجری تعلق دارد، تصحیح کرد و مقدمه ای مبسوط به انگلیسی نوشت و هم راه با ترجمه فارسی مقدمه انگلیسی به قلم میرزا محسن نمازی و فهارس و اعلام به سعی و اهتمام خان بهادر خلیفه محمد اسدالله ناظم کتب خانه سلطنتی کلکته در ۱۳۶۲ق./ ۴۴-۱۹۴۳م. در مطبع پست مشن، کلکته به چاپ رسانید.^۱ بعدها کتاب فروشی خیام، (تهران، ۱۳۵۲ش.) از روی همین چاپ آن را افست کرد. سپس غلام رضا طباطبایی مجد بر اساس چاپ صدیقی و بدون داشتن نسخه جدید و افزودن پیش گفتاری، این متن را به عنوان تصحیح خود! (تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳ش.) منتشر کرد. محمد آصف فکرت نیز بر اساس چاپ صدیقی، گزیده و مختصر متن را با نام پیراسته تاریخ نامه هرات، در سال ۱۳۸۱ش. در تهران (بنیاد موقوفات محمود افشار) به چاپ رسانید.

قاسم مادح هراتی (قرن ۷ق./ ۱۳م.)

سراینده ای بوده که کتاب خود جهانگیرنامه را در هرات سروده است:

بیا قاسم مادح دردمند مگو بیش ازین قصه چون و چند
به نظم آمد این دفتر اندر هرات به توفیق جبار موت و حیات

جهانگیرنامه منظومه مفصل حماسی در جنگ جهانگیر پسر رستم با ایرانیان و درآمدن او در سپاه ایران و آن گاه جنگ او در مغرب با رستم است. ذبیح الله صفا این مثنوی را به احتمال اقرب به صواب از آثار قرن هفتم هجری می داند.^۲ جهانگیرنامه دو بار در بمبئی بار اول در مطبع ناصری (۱۳۰۹ق./ ۱۸۹۲م.) و بار دوم در مطبع سلطانی (آبان ماه ۱۳۲۵ش./ ۱۹۲۶م.) به کوشش اردشیر بنشاهی فرزند خدارحم مرزبان اله آبادی متخلص به «خاضع» چاپ شده است. در چاپ دوم نام سراینده «ابوالقاسم مادح هراتی» و نام کتاب «البدیع

۱. نوشاهی، عارف، کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۵۳۳.

۲. صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، ۱۳۶۴، ۳۳۱.



موسوم به جهانگیرنامه» آمده است.^۱

جهانگیرنامه در سال ۱۳۸۰ ش. به تصحیح سید ضیاءالدین سجادی و با مقدمه مهدی محقق از طریق انتشارات دانشگاه تهران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا منتشر شد. سجادی در تصحیح این اثر، از نسخه چاپی مطبع ناصری، بمبئی و نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس استفاده کرده است.

شاید تذکر این نکته برای خوانندگان نیز جالب باشد که در شبه قاره یک دیوان شعر فارسی به صنعت مهمله، به عنوان دیوان بی نقاط جامی مکرر چاپ شده است. این دیوان نیز از آن شاعری است که تخلص «مادح» دارد و در ۱۰۲۳ ق. می‌زیسته است و البته هیچ ربطی به مولانا عبدالرحمان جامی ندارد.^۲

رکن‌الدین حسین حسینی هروی (درگذشته ۷۱۷ یا ۷۱۸ یا ۷۱۹ ق. / ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ یا ۱۳۱۹ م.)

امیر حسینی هروی، سفری به ملتان داشته و در آن جا به خدمت شیخ بهاءالدین زکریای ملتانی سهروردی رسیده بود و می‌گویند مرید شیخ رکن‌الدین عالم ملتانی نوه زکریای ملتانی بود. محمداختر چیمه، یکی از استادان معاصر پاکستانی و رئیس پیشین بخش فارسی دانشگاه دولتی فیصل‌آباد، مقاله‌ای محققانه به فارسی به عنوان «احوال و آثار امیر حسینی هروی» دارد که در مجله معارف، (تهران، دوره چهاردهم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۷۴ ش، صص ۷۹-۶۷) به چاپ رسید.

از نخستین چاپ‌های آثار امیر حسینی آنچه در شبه قاره انجام گرفته است:

زادالمسافرین، چند بار در مطبع منشی نولکشور، کانپور و لکهنو به چاپ رسید، از جمله در ۱۲۹۴ ق. / ۱۸۷۷ م. ولی ناشر به خطا آن را به حسین واعظ کاشفی منسوب داشته است.^۳ کنزالرموز، به اهتمام محمد عبدالقدیر در مجموعه اربعه مثنوی، مطبع مفید دکن، حیدرآباد، ۱۳۱۰ ق. / ۹۳-۱۸۹۲ م. منتشر شد.^۴ نزهة الارواح را میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی در مطبع فیض‌رسان، بمبئی، ۱۳۲۲ ق. / ۱۹۰۴ م. به چاپ رسانید.^۵

تقریباً همه آثار امیر حسینی سادات در سال‌های متفاوت در ایران تصحیح و منتشر شده و از

۱. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۱۲۲.

۲. همان، ج ۳، صص ۲۱۲۱-۲۱۲۲.

۳. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۷۵۵.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۷۵۵.

۵. همان، ج ۱، ص ۶۸۹.



آن جمله مصحح نامدار هرات، نجیب مایل هروی کار تصحیح متون را حدود چهل سال پیش، با تصحیح و چاپ نزهة الارواح (چاپ مشهد، زوار، ۱۳۵۷ ش.) آغاز کرد و این نخستین کار او در ایران بوده است.

رکن الدین بن صائن الدین هروی (درگذشته ۷۶۲ ق/ ۱۳۶۳ م)

دیوان رکن صائن هروی، شامل غزلیات و قصاید است که به تصحیح پروفیسور سید حسن، در سال ۱۳۷۸ ق. / ۱۹۵۹ م. از طرف مؤسسه تحقیقات و تتبعات در زبان و ادبیات فارسی و عربی، پتنه (The Institute of Post-Graduate Studies and Research in Arabic and Persian Learning) منتشر شد. مصحح، سه نسخه خطی دیوان رکن صائن را در دست داشته و مقدمه‌ای مفصل در اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در عصر رکن صائن و شرح حال شاعر نوشته است.^۱

سیف جام هروی (زنده در ۸۰۴ ق. / ۱۴۰۱ م.)

از شخصیت‌های هرات بوده که در هندوستان به سر می‌برده و در تاریخ ادبیات فارسی نسبتاً گم‌نام مانده است. تا کنون از آثار او دو اثر ارزشمند کشف شده و اثری دیگر که «فتاوی سلطانی در چهار مذهب مسلمانی» نام دارد، مفقود است. یکی از آثار او، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، کتابی ست در علوم بلاغی و صنایع ادبی و گزیده اشعار فارسی پیشینیان که در حدود ۸۰۴ ق. در هندوستان تألیف گردیده است. در معرفی این اثر، چند مقاله خوب به قلم نویسندگان شبه قاره تحریر شده است. فضل تقدّم در این مورد با دکتر نذیراحمد (۲۰۰۸-۱۹۱۵ م.) استاد فارسی دانشگاه اسلامی علی‌گره است. تحقیقات او بر پایه مجموعه لطایف به شرح زیر است:

۱. «چند تن فارسی‌گویان عصر فیروزشاه تغلق»، در نذر رحمن، لاهور، ۱۹۶۶ م، به زبان اردو.

۲. «منبعی بسیار کهن از غزلیات حافظ»، مجله ایندوایرانیکا، کلکته، سپتامبر ۱۹۶۶ م؛ به زبان انگلیسی.

۳. غزل‌های حافظ بر اساس مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، دهلی، ۱۹۹۱ م، به فارسی. به صورت کتاب منتشر شد.

پروفیسور امیر حسن عابدی (۱۹۲۱-۲۰۱۱ م.) استاد ادبیات فارسی دانشگاه دهلی، نیز



مقاله‌ای با عنوان «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف» در مجله بیاض، نشریه گروه فارسی دانشگاه دهلی، شماره ۵، سال ۱۹۸۵م. منتشر کرد. فوزیه وحید پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی خود را با عنوان «بررسی تحلیلی جلد اول مجموعه لطایف و سفینه ظرایف تألیف سیف جام هروی» در ۲۰۱۱م. در دانشگاه اسلامی علی‌گره به زبان اردو گذراند. باب سوم پایان‌نامه (صص ۷۷-۴۸۱) شامل بررسی مشروح و بازنویسی متن است.

یکی از نسخه‌های خطی مجموعه لطایف و سفینه ظرایف که متعلق به دانشکده ادبیات دانشگاه کابل بوده، پس از هرج و مرج در افغانستان (۱۳۵۸ش. / ۱۹۷۹م.)، از آن‌جا خارج شد و به پاکستان رسید و به رؤیت نگارنده این سطور نیز رسید. بنده فرصت را غنیمت شمرده، در معرفی این اثر و نسخه خطی آن مقالتی مفصل نوشتم که با عنوان «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف؛ منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی» در مجله معارف، تهران، فروردین - تیر ۱۳۷۸، شماره ۴۶، چاپ شد. هم‌اکنون این نسخه به افغانستان برگردانده شده و در آرشیف ملی افغانستان در کابل نگهداری می‌شود.^۱

اثر دیگر سیف جام هروی، جامع الصنایع و الاوزان نام دارد که این نیز در علوم بلاغی است. نگارنده این سطور یک نسخه خطی در گنجینه آذر دانشگاه پنجاب لاهور و نسخه دیگر در گنجینه مفتی فضل عظیم آرشیو ملی پاکستان در اسلام‌آباد دیده و بر اساس آن نوشته‌ای تهیه نموده که با عنوان «جامع الصنایع و الاوزان از مآخذ کهن فارسی در علوم بلاغی و سبک‌شناسی شعر» در مجله معارف، تهران (پیاپی ۵۵)، فروردین - تیر ۱۳۸۱ش، شماره ۱ منتشر شد. دو نسخه دیگر این اثر در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود که متفاوت از نسخه‌های پاکستان و بهتر هستند. زینب صادقی‌نژاد دانشجوی ایرانی «تصحیح نسخه خطی کتاب جامع الصنایع و الاوزان تألیف سیف جام هروی در قرن ۸» را موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد قرار داده، در سال ۱۳۹۲ش. در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، تهران گذرانیده است.

سعدالدین کاشغری (درگذشته ۸۶۰ق/ ۱۴۵۶م)

از مشایخ بزرگ طریقه نقشبندیه بوده و در خیابان هرات مدفون است. محمدیاسین چغتایی استاد پاکستانی، کتاب حیات کاشغری را به اردو تألیف و نشر کرده (فیصل‌آباد، ۲۰۱۸م.) که نخستین کتاب مستقل راجع به کاشغری است. اگر چه اساس این کتاب نفحات الانس و رشحات عین الحیات است و مطلب و تحقیق تازه‌ای ندارد، ولی عشق و علاقه یکی از نویسندگان

۱. افضل‌ی، خلیل‌الله، «سرگذشت نسخه کابل مجموعه لطایف و سفینه ظرایف»، دانش، شماره ۱۲۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۷-۱۲.



پاکستانی را نسبت به این شیخ نشان می‌دهد.

عبدالله بن عبدالرحمان حسینی معروف به اصیل الدین واعظ (درگذشته ۱۷ ربیع الثاني ۸۸۳ق. / ۱۴۷۸م.)

مقصد الاقبال السلطانیه و مرصد الآمال الخاقانیه را در شرح مزارات هرات به سال ۸۶۴ق. تألیف کرد. ۳۳۴ سال بعد در ۱۱۹۸ق. عبیدالله بن ابوسعید هروی بر آن تعلیقه‌ای نوشت. این هر دو اثر به عنوان مزارات هرات: باقیات الصالحات، حصه اول و حصه دوم به کوشش مولوی عبدالله قندهاری خادم کتب هرات، نخستین بار در مطبع اسلامیه، لاهور، ۱۳۴۶ هجری (۲۸- ۱۹۲۷م.) چاپ شد.^۱ سپس این دو رساله، به اضافه رساله سوم تألیف آخندزاده ملا محمد صدیق هروی معلم حفاظ، با عنوان رساله مزارات هرات با تصحیح و حواشی فکری سلجوقی در کابل، ۱۳۴۶ش. / ۱۹۶۷م. منتشر شد. مقصد الاقبال یک بار ضمیمه رساله عبیدالله هروی، به کوشش (غلامرضا) مایل هروی در بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۱ش. / ۱۹۷۲م. انتشار یافت. فکری سلجوقی و مایل هروی چاپ شبه قاره را در اختیار داشته‌اند.

از دیگر آثار اصیل واعظ، «غرفة الحصن الحصین» است که در شرح حصن الحصین شمس الدین جزری در جمادی الثاني ۸۸۷ق. در هرات تألیف شده و در خاتمه همین کتاب نویسنده خبر داده که او نسخه‌ای جامع در اعمال و اوراد با نام «کنز الاعمال» ترتیب داده است. نسخه خطی غرفة الحصن الحصین را کاتبی با نام محمد مراد بن معین الدین ظفر کتو در ۱۱ صفر ۱۰۵۶ق. در ۲۵ ورق کتابت نمود و آن را چند سال پیش در مجموعه مفتی فضل عظیم بهیروی محفوظ در آرشیو ملی پاکستان، اسلام آباد (شماره: اسلام ۱۳۳) دیدم و فهرست برداری کرده، به تفصیل معرفی نمودم (رک. فهرست نسخه‌های خطی فارسی آرشیو ملی پاکستان اسلام آباد (گنجینه مفتی فضل عظیم بهیروی)، تألیف عارف نوشاهی، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۰ش، صص ۵۲۹-۵۲۷). تا آنجایی که بنده تفحص کردم، دانشمندانی چونان رضا مایل هروی، عبدالرئوف فکری سلجوقی، نذیر احمد و نجیب مایل هروی که از آثار اصیل واعظ، فهرستی ارائه کرده‌اند هیچ کدام از غرفة الحصن الحصین و کنز الاعمال او نام نبرده‌اند. خوش بختانه نسخه‌ای از غرفة الحصن الحصین در دست است.

نسخه نفیسی از درج الدرر تألیف اصیل الدین واعظ به خط معین الدین مسکین در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علی‌گه هند (شماره عبدالحی فارسیه ۴/۹۹) نگهداری می‌شود.

۱. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، صص ۲۳۲۵-۲۳۲۶.



تاریخ کتابت این نسخه ۸۸۹ق. است و مهرهای امرای تیموریان هند از جمله لطف‌الله خان خانه‌زاد عالمگیر شاه و امانت‌خان را بر خود دارد.^۱ نسخه‌برگردان این دست‌نویس با مقدمه و اهتمام احمد فتوحی‌نسب، از سوی انتشارات سفیر اردهال در تهران، ۱۳۹۲ش. به چاپ رسیده است. دکتر نذیراحمد در مقاله‌ای مفصل تحت عنوان «سید اصیل‌الدین واعظ شیرازی صاحب درج‌الدرر»، چاپ شده در مجله قند پارسی، دهلی، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۸۰ش، صص ۳۸-۱ این نسخه را به تفصیل معرفی کرده است. نجیب مایل هروی تکمله‌ای بر آن مقاله نوشت و روی گونه‌شناسی این نسخه توجهش را منعطف داشت. (رک: ن. مایل هروی، «اصیل شیرازی واعظ در هری»، پیام بهارستان، تهران، دوره ۲، سال ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۸ش، صص ۲۵۳-۲۹۰).

خواجه عبیدالله احرار (۸۰۶-۸۹۵ق. / ۱۴۴۰-۱۴۹۰م.)

خواجه احرار اگر چه اصلاً تاشکندی بود و بعدها به سمرقند کوچید و همان‌جا مدفون شد ولی در ابتدای حال مدّت پنج سال (۸۲۸ تا ۸۳۳ق.) در هرات بوده و بعد در ۸۶۵ق. نیز سفری به هرات داشته است. در حین اقامت در هرات، او با مشایخ آن‌جا نشست و برخاست داشته است. نگارنده این سطور کتاب احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار (تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ش) را نگاشته است. در این کتاب، ملفوظات و رقعات خواجه احرار گرد آمده که در شناخت شخصیت‌های هم‌روزگار احرار در هرات بسیار سودمند است. در خلال گفتارهای او در باره مشایخ هرات و رفتار و سلوک آنان اظهار نظر شده که در جای دیگر دیده نمی‌شود. هم‌چنین تصویر جامعه هرات را نیز می‌توان از روی گفتارهای خواجه احرار ترسیم نمود. در این‌جا به یک نمونه اکتفا می‌شود:

[خواجه احرار] می‌فرمودند در میان مردم هری، ادب و حیا بسیار است. جماعتی ایتام در هری هرگز بلندتر از شتالنگ برهنه نمی‌دارند. طریق‌های ایتام سمرقند سهل است. فرمودند در بیرون دروازه فیروزآباد آبی است، بر کناره آب، درختان‌اند. گاهی در آن سایه‌ها می‌نشستم. خردان و اطفال ایشان - که در سن شش و هفت سالگی بودند - هرگز برهنه در آب نمی‌درآمدند. به ازار می‌درآمدند. در این شهر [سمرقند] این‌طور ادب و رعایت نیست. از این جهت مردم هری، سمرقندیان را منکرند و به عدم حیا و برودت

۱. از دوستانم در علی‌گره دکتر عطا خورشید و دکتر مسعود انور علوی کاکوروی که تصاویر این نسخه را اختیار من قرار داده‌اند، سپاس‌گزارم.



نسبت می کنند و در میان مردم هری رسم است که وقتی که طعام در پیش دارند، می باید که هر کس که می گذرد، بی آن که طلبند و مردمی کنند، رَوَد و از آن طعام خورد. اگر احياناً کسی نرود و شرکت نکند، می رنجند و خواری می کنند. فرمودند روزی در بیرون فیروزآباد می رفتم. جمعی از مردم در سر راه نشسته بودند و طعامی در پیش داشتند. مولانا سعدالدین [کاشغری] و جمعی که می رفتیم، هیچ کس غیر من شرکت نکرد. من از آن طعام اندکی گرفتم و گذشتم. این طریق های ایشان بسیار مستحسن است.^۱

کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۸۷ ق. / ۱۴۱۳-۱۴۸۲ م.)

مطلع سعدین و مجمع بحرین، تاریخ تیموریان در فاصله سال های ۷۰۴ تا ۸۷۳ ق. که بخشی از آن متعلق به هرات است. کتاب در دو جلد تدوین شده است. پروفیسور مولوی محمدشفیع جلد دوم را که شامل وقایع سال های ۸۰۷ تا ۸۷۵ ق. است، تصحیح و به شرح زیر چاپ کرد: جزء اول (وقایع ۸۰۷ تا ۸۳۲ ق.): مطبع گیلانی، لاهور، چاپ اول: ۱۹۴۴ م، چاپ دوم: ۱۹۴۶ م، و دنباله آن در پاکستان پرنیتنگ ورکس، لاهور، ۱۳۸۳ ق. / ۱۹۶۳ م، جزء دوم و سوم (وقایع ۸۳۳ تا ۸۷۵ ق.): با تتمه حواشی و فرهنگ الفاظ ترکی و مغولی، مطبع گیلانی، لاهور ۱۹۴۹ م.^۲ بعداً مطلع سعدین به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی (۱۳۰۴-۱۳۸۴ ش.) در تهران نیز منتشر شد (جلد اول، ۱۳۵۳ ش؛ جلد دوم، ۱۳۸۳ ش). جلد دوم چاپ تهران، دقیقاً همان چاپ مولوی شفیع است و خود دکتر نوایی در جلد دوم، دفتر اول در مطلبی با عنوان «چند کلمه بر سبیل اعتذار» (صص پنج تا چهارده) اذعان داشته که جلد دوم، رونویسی چاپ محمدشفیع است و توضیحات و افاضات محمدشفیع را نیز «به همان انشاء و املائی او و همراه آن منابع و مآخذ و لغت نامه ترکی و مغولی وی را بی کم و کاست آوردم و هرگز از خود چیزی بر آن نیفزودم.» (ص: نه) در چنین شرایطی آیا ایجاب نمی کرد که روی جلد نوشته می شد «بر اساس چاپ دکتر محمدشفیع» تا حق این خدمت گزار بزرگ ادبیات فارسی و تاریخ ایران محفوظ می ماند.

نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ ق. / ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م.)

از دیدگاه عرفانی و ادبی یکی از با نفوذترین شخصیت ها در شبه قاره است. تا امروز آثار او در آن جا منتشر می شود یا ترجمه می گردد و اشعار او در محافل شعر و سخن و سماع خوانده می شود. روی زندگی نامه او نیز چند نفر در شبه قاره کار کرده اند. دایره نفوذ جامی و جامی شناسی

۱. نوشاهی، عارف، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ۱۳۸۰، ص ۲۹۹.

۲. نوشاهی، عارف، کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، صص ۲۵۲۴-۲۵۲۵.



در شبه قاره به حدّی گسترده است که این گفتار آن را بر نمی‌تابد. نگارنده این سطور وقتی کتاب جامی تألیف علی اصغر حکمت را از فارسی به اردو برگرداند، تکمله‌ای بر آثار جامی نگاشت و به آن کتاب افزود. این ترجمه و تکمله، نخستین بار در سال ۱۹۸۳ م. در لاهور/اسلام‌آباد منتشر شد. بیست‌وهفت سال بعد روی این کار تجدید نظر کردم و مقدمه‌ای مفصّل در خصوص اقبال جامی در شبه قاره و جامی‌شناسی در جهان نوشتم و در قسمت آثار جامی، کهن‌ترین نسخه‌های خطّی و چاپ‌های انتقادی را نشان دادم. این کتاب در ۲۰۱۲ م. چاپ دوم شد. آقای نجیب مایل هروی در تعلیقات مقامات جامی تألیف عبدالواسع باخرزی (تهران، ۱۳۷۱ ش./ ۱۹۹۲ م.) و کتاب دیگر خود شیخ عبدالرحمن جامی (تهران، ۱۳۷۷ ش./ ۱۹۹۸ م.) مکرّر از تحقیقات بنده استفاده نموده و به سودمند بودن آن‌ها اشاره کرده است و در نامه‌های خصوصی که به بنده نوشته، به ترجمه این تعلیقات پیشنهاد داده است. اگر کسی اردودان فارسی‌زبان این مقدمه و تکمله را به فارسی ترجمه و نشر کند، برای هم‌وطنان جامی و دیگر فارسی‌زبانان مفید خواهد بود.

شمس‌الدین محمد روجی (۸۲۰-۹۰۴ ق./ ۱۴۱۷-۱۴۹۹ م.)

زادگاه او روج در شهرستان غوریان در ولایت هرات است. او سال‌ها در هرات زندگی کرد و در جامع هرات تبلیغ حق می‌کرد. از اصحاب مولانا سعدالدین کاشغری بود و در هرات درگذشت. اوّل در خیابان، در جوار مولانا کاشغری مدفون شد، بعد نعش او را به گازرگاه بردند و در آن‌جا دفن کردند. نگارنده این سطور مجموعه‌ای از ملفوظات وی را تحت عنوان «سخنان مولانا شمس‌الدین محمد روجی، عارفی از خراسان در قرن نهم هجری» در مجله معارف، تهران، دوره چهاردهم، شماره ۳، آذر-اسفند ۱۳۷۶ ش، صص ۱۳۶-۱۴۴ چاپ نمودم.

میرخواند، محمد بن خواندشاه بن محمود (۸۳۷-۹۰۳ ق./ ۱۴۹۸-۱۴۳۳ م.)

او پدر بزرگ خواندمیر هروی است که ذکرش خواهد آمد. روضة الصفا فی سيرة الانبیا و الملوك والخلفاء، را که تاریخ عمومی است، در سال‌های ۹۰۰ تا ۹۰۷ ق. تألیف نمود. این کتاب حداقل نه بار در شبه قاره چاپ سنگی شده است. اولین چاپ آن در ۱۲۶۲ ق./ ۱۸۴۶ م. در کارخانه (مطبع) فضل‌الدین کهمکر داوود میان، بمبئی، در هفت جلد و خاتمه‌ای بوده است. از سال ۱۲۹۱ ق./ ۱۸۷۴ م. به بعد در مطبع منشی نول کشور، لکهنو مکرّر به چاپ رسیده است. چاپ پنجم آن در این مطبع در ۱۹۱۴ م. انجام شد.^۱



۱. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۹۵.



امیر علی شیر نوایی (۸۴۴ - ۹۰۶ ق. / ۱۴۴۰ - ۱۵۰۱ م.)

یکی از شخصیت‌های متنفذ دربار هرات است. آثار او بیش‌تر به ترکی جغتایی و کم‌تر به فارسی است. نگارنده این سطور در مقاله‌ای تحت عنوان «نسخه‌های خطی ترکی در کتابخانه‌های پاکستان» که به زبان اردو، در مجله بنیاد، لاهور، شماره ۸، سال ۲۰۱۷ م. چاپ شده، به شناسایی آثار او نیز پرداخته‌ام.

از تذکره مجالس النفایس او چهار ترجمه به فارسی شده است. یکی از آن‌ها لطایف‌نامه به قلم فخری هروی است که در سطور آینده ذکر آن خواهد شد. ترجمه‌ای دیگر از میرزا عبدالباقی الشریف الرضوی وفا (۱۲۰۴ - ۱۲۷۳ ق.) است که به درخواست نواب غلام‌غوث خان اعظم والی کرناٹک در تاریخ ۱۰ شوال ۱۲۴۱ ق. انجام گرفته و نسخه خطی آن در کتابخانه دولتی مخطوطات مدراس هند موجود است.^۱

سید عبدالله مقاله‌ای مبسوط به زبان اردو با عنوان «میر علی شیر فانی» در شرح حال و معارف‌پروری او دارد که در فارسی زبان و ادب (مجموعه مقالات) از دکتر سید عبدالله، لاهور، ۱۹۷۷ م. چاپ شده است.

در احوال و آثار نوایی یکی از بانوان پاکستانی دکتر صغرا بانو شگفته (رئیس پیشین و استاد بازنشسته گروه فارسی دانشگاه زبان‌های نوین، اسلام‌آباد) کتابی به فارسی نوشته که با نام شرح احوال و آثار فارسی امیر علی شیر (نوایی) متخلص به فانی از طرف مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان اسلام‌آباد و انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران ۲۰۰۵ م. چاپ شده است. این اثر در واقع رساله دکتری ایشان در دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۷ ش. بوده است.

غیاث‌الدین محمد مشهور به خواندمیر (حدود ۸۸۰ - ۹۴۶ ق. / ۱۴۷۶ - ۱۵۴۰ م.)

مؤرخ هروی که به هندوستان رفته و در دهلی مدفون شد. حبیب السیرفی اخبار افراد البشر او تاریخی مقبول است. نخستین چاپ آن، بنا بر گفته ناشر آن از روی نسخه مؤلف، در سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۳ ق. / ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۷ م. در بمبئی بوده است.^۲

قانون همایونی یا همایون‌نامه کتابی است در فرامین و قوانین نصیرالدین محمد همایون پادشاه که نخستین بار به تصحیح و مقدمه انگلیسی شمس‌العلماء محمد هدایت حسین (۱۸۸۷-۱۹۴۳ م.) مدیر مدرسه عالی کلکته، در انجمن آسیایی بنگال، کلکته، ۱۳۵۹ ق. / ۱۹۴۰ م. منتشر شد.^۳

1. Arabic and Persian in Carnatic, 1710-1960 by Muhammad Yousuf Kokan, Madras, 1974, pp.372-73

۲. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۳۹۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۸۰۶.





خواندمیر کتابی دیگر دارد با نام نامه نامی در انشا که قاضی احمد میان اختر جونا گری (۱۸۹۷-۱۹۵۶م.) آن را در طی مقاله‌ای در مجله معارف، اعظم گره، سپتامبر ۱۹۴۷م، صص ۱۷۸-۱۸۶ معرفی کرده است.

معین الدین فراهی هروی معروف به ملا مسکین و معین مسکین (درگذشته ۹۰۸ یا ۹۱۰ یا ۹۱۶ق.)

از مفسران قرآن مجید بود. از آثار او آنچه در شبه قاره چاپ شده، به شرح زیر است.
الواضح فی تفسیر الفاتحه، این اثر در مطبع منشی نولکشور، لکهنو، به کوشش ملا خیر محمد پشاور، در ۱۳۰۷ق./۱۸۹۰م. چاپ شد.^۱ یازده نسخه خطی از آن در پاکستان شناسایی شده^۲ و چندین نسخه نیز در آرشیف ملی افغانستان در کابل نگه‌داری می‌شود.

تفسیر سورة يوسف که در شبه قاره به «نقره کار» معروف است، در ۱۲۹۰ق./۱۸۷۳م، در مطبع قادری لاهور به چاپ رسید.^۳

عبدالقادر بیدل (۱۰۵۴-۱۱۳۳ق.) در بیتی از یک غزل خود به این تفسیر اشاره کرده است که نشان از شهرت این تفسیر در شبه قاره دارد:

بیاض دیده یعقوب اشارتی دارد

که سیر ما کن و تفسیر نقره کار نویس

اعجاز موسوی، قصه حضرت موسی است. در ۱۲۷۲ق./۵۶-۱۸۵۵م. در مطبع عمدة المطابع، بلند شهر چاپ شد.^۴

معارج النبوة و مدارج الفتوة، در سیره پیامبر اکرم (ص) است. این کتاب در شبه قاره بسیار اقبال داشته و مکرر چاپ شده است. یکی از قدیم‌ترین چاپ‌های آن در ۱۲۹۲ق./۱۸۷۵م. در مطبع اوده اخبار لکهنو بوده است.^۵

لازم به ذکر است که در شبه قاره یک دیوان اشعار فارسی جعل شده و به نام حضرت خواجه معین الدین چشتی اجمیری چاپ شده است. دانشمند فقید حافظ محمود خان شیرانی (۱۸۸۰-

۱. همان، ج ۱، ص ۳۶۰.

۲. همان، ج ۱، صص ۲۳-۲۵؛ نوشاهی، عارف، فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۳۳-۳۴.

۳. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۶۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۳۹۹.

۵. همان، ج ۴، ص ۲۴۱۹.



۱۹۴۶م) این موضوع را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که بسیاری از اشعار این دیوان از آن معین مسکین فراهی است.^۱ احمد گلچین معانی هم در این خصوص مقاله‌ای کوتاه با عنوان «معین الدین چشتی و معین الدین فراهی» دارد که در مجله یغما، تهران، خرداد ۱۳۵۰ش، صص ۱۷۷-۱۷۹ چاپ شد. در این مقاله رفع اشتباه اشعار منسوب به معین الدین چشتی شده است.

کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری (درگذشته ۹۱۰ق./ ۱۵۰۵م.)

نخستین چاپ‌های آثار او در شبه قاره انجام گرفته است. چنان که:

مواهب علیّه که در شبه قاره به «تفسیر حسینی» معروف است، یکی از آثار دینی او بوده که به کرات چاپ شده است. نخستین چاپ آن در ۱۲۴۸ق./ ۱۸۳۲م. به تصحیح علمای بنگال مولوی منصوراحمد بردوانی، مولوی عجیب‌احمد مجدّدی سرهندی، مولوی امرالله پندوی و مولوی جسیم الدین احمد در کلکته به عمل آمد.^۲

اخلاق محسنی، جزو کتاب‌هایی بوده که در شبه قاره از دیرباز تا کنون مورد مطالعه است و لااقل شصت و چهار بار چاپ شده است. از چاپ‌های قدیم آن یکی در ۱۲۴۲ق./ ۱۸۲۶م. در کلکته است.^۳

روضة الشهداء نیز در شبه قاره مکرر چاپ شده است. یکی از چاپ‌های اولیه آن به اهتمام قاضی ابراهیم، در مطبع حیدری بمبئی، ۱۲۸۵ق./ ۱۸۶۸م. بوده است.^۴

اسرار قاسمی نیز چند بار چاپ شد، از جمله: ۱۸۶۷م در مطبع دت پرساد بمبئی.^۵

مرصد الاسنی فی استخراج اسماء الحسنی در ۱۳۱۱ق./ ۹۴-۱۸۹۳م. به اهتمام میرزا محمد ملک الکتاب شیرازی در مطبع دت پرساد بمبئی انطباع یافت.^۶

صحیفه شاهی در ۱۲۵۱ق./ ۳۶-۱۸۳۵م. به اهتمام میرزا احمدعلی چاپ شد.^۷

انوار سهیلی یکی از کتاب‌های خواندنی در شبه قاره بوده و پی در پی چاپ می‌شد. چنان که

۱. مقالات حافظ محمود شیرانی، ج ۶، صص ۱۷۱-۱۹۴، مقاله او در رفع اشتباه دیوان منسوب به معین الدین اجمیری، پیش‌تر به عنوان «دیوان خواجه معین الدین اجمیری: کیا به دیوان انهی کی ملکیت هی» در مجله اردو، اورنگ آباد، شماره جولای ۱۹۲۴م. منتشر شده بود.

۲. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۵۸.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴۳۶.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۱۲۰.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۱۳۲.

۷. همان، ج ۳، ص ۱۳۵۵.



تاکنون حداقل شصت‌وسه چاپ آن در شبه قاره شناسایی شده است. نخستین چاپ آن که من دیده‌ام، به تصحیح سید حسین علی جونپوری، زیر نظر کاپیتان ستیوارت در مطبع دفتر سعادت کلکته، ۱۲۲۰ ق. / ۱۸۰۵ م. بوده است.^۱

علی بن حسین واعظ کاشفی مشتهر به صفی (درگذشته ۹۲۹ ق.)

رشحات عین الحیات، یکی از تذکرة‌های مقبول و مطبوع بین عرفا و علاقه‌مندان عرفان در شبه قاره است و چند بار چاپ شده است و یکی از چاپ‌های کهن ۱۳۰۸ ق. / ۱۸۹۰ م. در مطبع نولکشور، لکهنو بوده است.^۲

لطایف الطوایف، دو بار در ۱۲۹۸ ق. / ۱۸۸۱ م. و ۱۳۱۱ ق. / ۱۸۹۴ م. در بمبئی چاپ سنگی شد.^۳

حرز الامان من فتن الزمان در مطبع علوی لکهنو، ۱۲۹۰ ق. / ۱۸۷۳ م. به چاپ رسید.^۴
کشف الاسرار قاسمی که گزیده اسرار قاسمی است، در ۱۳۱۲ ق. / ۱۸۹۴ م. در بمبئی چاپ شد.^۵

سلطان محمد فخری هروی (متولد حدود ۹۰۳ ق. / ۹۸ - ۱۴۹۷ م.)

فرزند محمد امیری هروی، تا ۹۷۰ ق. در هند و سند به سر می‌برده است. سال وفات او معلوم نیست. سه اثر او در یک جلد با نام تذکرة روضة السلاطین و جواهرالعجایب مع دیوان فخری هروی به تصحیح و تحشیه و مقدمه سید حسام‌الدین راشدی، از سوی سندی ادبی بورده، حیدرآباد، سند، ۱۹۶۸ م. منتشر شد.^۶

روضة السلاطین، تذکرة هشتاد نفر از پادشاهان، شاهزادگان و امیرانی است که به فارسی و ترکی شعر می‌سرودند. مؤلف، این تذکرة را در سال‌های ۹۵۸ ق. / ۱۵۵۱ م. و ۹۶۲ ق. / ۱۵۵۵ م. در تته سند تألیف و به شاه حسن ارغون معنون کرد.

جواهرالعجایب، تذکرة بیست‌وپنج تن از زنان سخنگوست به ترتیب تاریخی که مؤلف در

۱. همان، ج ۳، ص ۱۳۷۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۷۷۱.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۴۰۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۷۶۷.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۱۲۰.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۴۶۸ و ۱۴۸۷.



۹۶۳ق./ ۱۵۵۶م. در تته سند تألیف کرد و به ماهم بیگم تقدیم نمود. به قول سید راشدی، وی حاج ماه بیگم دختر محمد مقیم ارغون است و نباید وی را با ماهم اتکه مادر رضاعی اکبر پادشاه اشتباه گرفت. جواهر العجایب، پیش‌تر در سال‌های ۱۸۷۳ و ۱۸۸۰م. از سوی مطبع منشی نول کشور لکهنو، چاپ سنگی شده بود و حکیم شمس‌الله قادری (وفات: ۱۹۵۳م.) نیز با مقدمه و حواشی اردو، در نشریه اردو، اورنگ‌آباد، هندوستان، شماره جولای ۱۹۲۸م، صص ۳۸۹-۴۴۹ منتشر نموده است.^۱

دیوان فخری هروی، شامل دیباجة تحفة الحبيب، چند بیت مثنوی، دیوان غزلیات (۱۰۱ غزل) که مصحح دیوان حسام‌الدین راشدی از تحفة الحبيب و محک مرتضایی تألیف غلام مرتضی شاه مرتضایی تتوی گرد آورده است و این غیر از دیوانی است که قریب به پنج‌هزار بیت بوده و خود فخری تدوین کرده و مؤلف عرفات العاشقین در آگره دیده بود.^۲ دیوان فخری هروی هم در ایران (تهران، ۱۳۶۶) به کوشش احمد کرمی بدون مراجعه به نسخ تازه و بر اساس چاپ شبه قاره منتشر شده است.

لطایف‌نامه، ترجمه فارسی مجالس النفایس (ترکی جغتایی) امیر علی شیر نوایی است که فخری در ۹۲۸ق./ ۱۵۲۲م. انجام داده بود. سید محمد عبدالله استاد دانشگاه پنجاب لاهور این را به تفاریق در مجله اورینتل کالج میگزین، لاهور منتشر کرد. نخستین قسمت آن در ماه اگوست ۱۹۳۱ و آخرین قسمت آن با فهارس اعلام در فوریه ۱۹۳۳ منتشر شد.^۳

چند مقاله بسیار ارزنده نیز در باره آثار فخری چاپ شده است. یکی در باره روضه السلاطین نگاشته اختر میان جونا گرهی که در ارمغان علمی (جشن‌نامه مولوی محمد شفیع)، لاهور، ۱۹۵۵م. و دیگری در باره تحفة الحبيب نگاشته دکتر نذیر احمد که در معارف، اعظم گره، اکتبر ۱۹۷۶م، صص ۲۸۷-۳۰۰ منتشر شد. در مقاله دکتر نذیر احمد، فهرست اسامی ۲۳۶ شاعر تحفة الحبيب نیز آمده است. احمد گلچین معانی نیز مقاله‌ای با عنوان «تحفة الحبيب» دارد که در نشریه فرهنگ خراسان، مشهد، خرداد ۱۳۴۳ش، صص ۷-۱۷ چاپ شد. گلچین در این نوشتار، فهرست سرایندگان و شمار غزلیات مضبوط در تحفة الحبيب را ذکر کرده است.

کمال‌الدین حسین طبسی گازرگاهی (اوایل سده دهم هجری)

مؤلف تذکره شماری از عرفا و شعرا متضمن حکایات عاشقانه آنان است با نام مجالس العشاق

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۸۳.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۰۵۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۵۰۱.



که به سال ۹۰۸ ق. / ۱۵۰۲ م. تألیف کرد. چند بار در شبه قاره چاپ سنگی شده است، ولی در چاپ‌های شبه قاره به خطا این اثر به سلطان حسین بایقرا (حک. ۸۷۳ - ۹۱۱ ق.) منسوب شده است. نخستین چاپ آن در شبه قاره در شعبان ۱۲۸۷ ق. / نوامبر ۱۸۷۰ م.، در مطبع منشی نول‌کشور، لکهنو، به خوش‌نویسی میرزا محمد شیرازی و با تقریظ و مقدمه منشی محمد ظهیرالدین خان ظهیر بلگرامی همراه با تصاویر بوده است.^۱

غلام‌رضا طباطبایی مجد این کتاب را بر اساس چاپ شبه قاره (۱۲۸۷ ق.) و دو نسخه خطی کتاب‌خانه ملی تبریز در تهران، ۱۳۷۵ چاپ حروفی کرده است. بنا بر دلایل مذهبی، مجلس اول در ترجمه حال امام جعفر صادق (ع) در این چاپ حذف شده است.

معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری (درگذشته اوایل سده دهم هجری)

روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات را در سال‌های ۸۹۷ - ۸۹۹ ق. / ۱۴۹۲ - ۱۴۹۴ م. در تاریخ و جغرافیای هرات و زندگی‌نامه بزرگان و وصف مقابر و بناهای آن‌جا، در بیست‌وشش «روضه» نگاشت.

روضات الجنات را دکتر محمد اسحاق استاد دانشگاه کلکته بر اساس شش نسخه خطی (دو نسخه انجمن آسیایی کلکته، نسخه‌های موزه بریتانیا، ایندیا آفس، دانشگاه اسلامی علی‌گره و عبدالرئوف فکری سلجوقی) تصحیح کرد و همراه با مقدمه، حواشی و فهرس اعلام، در سلسله انتشارات دانشگاه اسلامی علی‌گره، با اعانه محمدرضا شاه پهلوی در ۱۹۶۱ م. منتشر نمود. این چاپ به عنوان «نخستین بخش» است زیرا متن در آن تا روضه پنجم آمده است.^۲ بنا به تصریح مصحح در پیش‌گفتار، وی این کار را در سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۷ م. انجام داده بود، ولی پی‌آمدهای تجزیه هندوستان و اختلال در کارهای اداری، جلو طبع و نشر این کتاب را گرفت و بالاخره در ۱۹۶۱ م. آغاز به انتشار کرد. مصحح متن کامل تصحیح شده را در اختیار ناشر قرار داده بود، ولی ظاهراً هم‌زمان با چاپ شدن متن کامل روضات در تهران، چاپ این کتاب در هند ادامه نیافت.

مصحح ایرانی سید محمد کاظم امام، این اثر را تصحیح کرد و آن را در دو جلد، در سلسله انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ - ۱۳۳۹ ش. / ۱۹۵۹ - ۱۹۶۰ م. منتشر کرد. در کارنامه ادبی آقای نجیب مایل هروی، تصحیح روضات جزو کارهای چاپ نشده او آمده است.^۳

۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۱۰.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۲۹۵.

۳. فرزند هرات (ارج‌نامه نجیب مایل هروی)، به کوشش علی اوجبی، تهران، ۱۳۹۵، ص ۳۲.



محمد بن یوسف هروی (درگذشته ۹۴۹ق./۱۵۴۲م.)

از طبیبان معروف متولد خواف بود. در ۹۳۲ق./۱۵۲۶م. از هرات به هند رفت و در دربار بابر قدر و منزلتی داشت. از آثار طبّی او دو کتاب در شبه قاره چاپ شده است:

۱. بحرالجواهر، به فارسی، مکرّر در شبه قاره چاپ شده است. از جمله به تصحیح حکیم عبدالحمید در کلکته، ۱۸۳۰م. و به اهتمام مولوی عبدالاحد در مطبع مجتبیایی دهلی، ۱۳۱۳ق./۱۸۹۶م.^۱

۲. عین الحیات، به عربی، به تحقیق، تدوین و ترجمه حکیم سید ظل الرحمن، از طرف ابن سینا اکادمی، علی‌گه، ۲۰۰۷م. منتشر شد. در این چاپ ترجمه اردو نیز همراه است.

یوسفی هروی، یوسف بن محمد (درگذشته ۹۵۰ق./۱۵۴۳م.)

فرزند محمد بن یوسف هروی که ذکرش گذشت. این فرزند متخلص به «یوسفی»، معروف و پُرکارتر از پدر بود. او نیز در دربار بابر و همایون بود و بسیاری از آثار خود را در هندوستان پدید آورد و به بابر و همایون پادشاه معنون کرد که یکی از آن‌ها «ریاض‌الدویه» در ۹۴۶ق. است. تقریباً تمام آثار طبّی فارسی او در شبه قاره به کرات چاپ شده است^۲ و این جا مجال پرداختن به آن‌ها نیست. جامع‌الفوائد او که به «طب یوسفی» شهرت دارد، برای شاعران شبه قاره استعاره شده بود.

زلیخا را جنونی در مزاج است ز طبّ یوسفی آن را علاج است^۳

(محمد ماه «صداقت» کنجاهی)

او غیر از کتب پزشکی، در انشانویسی نیز کتابی با نام بدایع الانشا معروف به انشای یوسفی (تألیف: ۹۴۰ق./۱۵۳۳م.) دارد که چند بار در شبه قاره از جمله در مطبع هندو در دهلی، ۱۸۷۰م. به چاپ رسیده است^۴. دیگر کتاب او انوار حکمت در اخلاق است که نسخه‌های خطّی متعدد دارد.

۱. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۱۴۷، مقدمه حکیم ظل‌الرحمان بر عین الحیات، علی‌گه، ۲۰۰۷م، صص ۱۶-۱۷، تاریخ مرگ او را ۹۴۹ق. نوشته است ولی بروکلمان (متن آلمانی) ذیل دوم صفحه ۵۹۲، حدود ۹۳۳ق. نوشته است. احمد منزوی چون تاریخ تألیف بحرالجواهر را رجب ۹۳۸ق. گفته است (مشترک، ج ۱، ص ۴۹۷)، طبعاً وفات او نمی‌تواند در ۹۳۳ق. اتفاق افتاده باشد. لازم به ذکر است که مؤلفان معاصر در ذکر سوانح این پدر و پسر دچار درهم آمیختگی بحث شده‌اند چنان که ذبیح‌الله صفا بحرالجواهر را جزو آثار یوسفی (پسر) آورده است (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۳۵۷).

۲. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۳۰۰۹ به کمک نمایه زیر نام «یوسفی هروی».

۳. ثواقب المناقب، ص ۱۰۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۳۲۹.



از جمله تحقیقات راجع به او باید به پژوهش محمد طیب که پایان‌نامه دکترى زبان و ادبیات فارسی خود را با عنوان «ارزیابی تحلیلی آثار یوسف بن محمد یوسفی؛ طبیب، شاعر و منشی معروف بابر و همایون» (به زبان انگلیسی) به راهنمایی پروفیسور نذیر احمد، در ۱۹۷۰م. در دانشگاه اسلامی علی‌گه گذرانید، اشاره کنیم.

حیدر هروی (درگذشته ۹۵۸ق. / ۱۵۵۱م.)

معروف به حیدر کلیچه‌پز یا حیدر کلچ‌پز، در زمان میرزا شاه‌حسن ارغون به سند آمده و قصیده‌ها در مدح او گفته و آخر در موضع پاتره در سرکار سیوستان سند درگذشت.^۱ از وی دیوانی به جای مانده که نسخه‌های آن در کتاب‌خانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد (شماره ۶۱۴۱)، پاکستان و دانشگاه پنجاب لاهور (مجموعه شیرانی، ۴۶۰۰) و ... نگه‌داری می‌شود.^۲

زین‌الدین محمود قوأس (کمانگر) بهدادنی خوافی (درگذشته ۹۶۷ق. / ۱۵۵۹م.)

او در طریقه نقشبندیه، مرید و خلیفه مولانا نورالله اسفندانی بود. اسفندانی از کبار اصحاب مولانا سعدالدین کاشغری بوده است. اگر چه مولد و وطن او بهدادنی خواف بوده ولی به هرات نیز سفر کرد و در ۹۶۱ق. به قندهار نقل مکان کرد و همان‌جا مدفون است. از او دو مجموعه ملفوظات باقی مانده است. یکی تحریر فردی ناشناسی که بعداً امیر سید محمد به جمع آن پرداخت و دیگری را شیخ معین‌الدین (وفات: ۹۹۵ق. / ۱۵۸۷م.) نبیره مولانا معین‌الدین واعظ هروی به تحریر در آورد و بر آن «ارشاد الطالبین» نام نهاد. هر دو مجموعه مملو از نکات تاریخی، ادبی و عرفانی متعلق به شخصیت‌های هرات است. مجموعه امیر سید محمد را نگارنده این سطور در برگ بی‌برگی (یادنامه استاد رضا مایل)، به کوشش نجیب مایل هروی، تهران، ۱۳۷۸ش. / ۱۹۹۹م، صص ۴۳۵-۵۱۷ چاپ نموده‌ام. نسخه ارشاد الطالبین در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۴۸۹۹ موجود است.

نظام‌الدین احمد بن مقیم هروی (درگذشته ۲۳ صفر ۱۰۰۳ق. / ۱۵۹۴م.)

مورخ دربار اکبر پادشاه، طبقات اکبری یا طبقات اکبرشاهی را در ۱۰۰۱ق. / ۱۵۹۳م. نگاشت. بار اول این کتاب در ۱۲۸۷ق. / ۱۸۷۰م. در لکهنو چاپ سنگی شد. چاپی دیگر به تصحیح محمد هدایت حسین و B.De در سه جلد در انجمن آسیایی بنگال، کلکته در ۱۹۲۷-۱۹۳۵م.

۱. مقالات الشعراء، صص ۱۸۵-۱۸۶.

۲. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ۱۳۹۶، ج ۷، ص ۶۸۳.



صورت گرفت.^۱ دکتر محمدایوب قادری (۱۹۲۶-۱۹۸۳ م.) دانشمند پاکستانی آن را به اردو ترجمه کرد و با مقدمه‌ای مفصل در شرح حال مؤلف، در لاهور به سال ۱۴۰۲ ق. منتشر ساخت.

مُلا قاطعی هروی (درگذشته ۱۰۲۴ ق. / ۱۶۱۵ م.)

مدّتی در هندوستان می‌گشته و بالآخره در آگره جان به حق سپرد. تذکرة مجمع الشعراء جهانگیرشاهی را به جهانگیر پادشاه (حک. ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق.) معنون کرد. بخشی از این تذکره باقی مانده که شامل زندگی‌نامه صدوپنجاه شاعر فارسی‌گوی است و بیش‌تر آنان معاصر مؤلف بودند. این تذکره با تصحیح و تعلیق و مقدمه دکتر محمدسلیم اختر، (استاد پاکستانی مقیم لاهور) از سوی مؤسسه تحقیقات آسیای میانه و غربی دانشگاه کراچی به سال ۱۹۷۹ م. منتشر شد.^۲ مصحح تنها نسخه بودلین (مجموعه اوزلی ۱۸۶) را در دست داشته و با دو مقدمه مبسوط، یکی به فارسی و دیگری به انگلیسی و تعلیقات سودمند و نمایه‌ها، این تذکره را از گوشه گم‌نامی به بام شهرت رسانید. به قول احمد گلچین معانی تذکره‌شناس معروف ایرانی، ارزش کار مصحح از مؤلف بیش‌تر است.^۳

حسن خان شاملو (درگذشته اواخر ۱۰۵۰ ق. / ۱۶۴۱ م.)

استاندار هرات و خطاط بود. منشآت حسن خان شاملو که سی نامه، مکاتباتی بین او و امرای هند است، به اهتمام و مقدمه انگلیسی دکتر ریاض الاسلام دانشمند پاکستانی، از سوی مؤسسه تحقیقات آسیای میانه و غربی دانشگاه کراچی، به سال ۱۹۷۱ م. در کراچی منتشر شده است. این چاپ فاکسیمیلۀ نسخه موزه بریتانیا شماره Add. ۷۸۰۲ است.^۴ ملا طغرای مشهدی گزیده‌ای از دیوان حسن خان شاملو را تهیه کرد که در مجموعه رسائل او آمده است.

فرخ‌حسین ناظم هروی (زاده حدود ۱۰۱۶ ق. / درگذشته ۱۰۸۱ ق. / ۱۶۷۰-۱۶۰۷ م.)

مثنوی یوسف و زلیخا را به تقلید از جامی، در سال‌های ۱۰۵۸-۱۰۷۲ ق. / ۱۶۴۸-۱۶۶۲ م. سرود. منشی نول‌کشور در مطبع خود واقع در لکهنو، هند این مثنوی را چند بار چاپ کرد. چاپ اول در شوال ۱۲۸۶ ق. / ۱۸۷۰ م. بود.^۵

۱. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۲۴۸۹.

۲. همان، ج ۲، صص ۱۵۰۱-۱۵۰۲.

۳. گلچین معانی، احمد، کاروان هند، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۰۸۶.

۴. نوشاهی، عارف، کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۳۶۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۲۲۰۸.





خواجه نعمت‌الله بن حبیب‌الله هروی (قرن ۱۱ ق. / ۱۷ م.)

ملازم خان جهان لودی، یکی از امرای جهانگیر بود. در ۲۱-۱۰۲۰ ق. / ۱۳-۱۶۱۲ م. تاریخ بنی اسرائیل، افغانان، سلطنت لودیان هند، سلسله افغانان و عرفای طایفه افغان را با نام تاریخ خان جهانی و مخزن افغانی نگاشت. این کتاب در دو جلد به تصحیح و مقدمه انگلیسی سید محمد امام‌الدین (مقیم داکا، بنگلادش) از سوی انجمن آسیایی پاکستان، داکا، به سال ۱۹۶۰-۱۹۶۲ م. منتشر شد.^۱ دکتر محمدبشیر حسین (مترجم پاکستانی) این را به اردو ترجمه کرد و در ۱۹۷۸ م. در لاهور به چاپ رسید.

لطف‌علی شاه نقوی مودودی چشتی هروی (زنده در ۱۲۹۶ ق. / ۱۸۷۹ م.)

از اولاد خواجه قطب‌الدین مودود چشتی و در طریقه چشتیه مرید خواجه محمد شمس‌الدین سیالوی پنجابی (۱۲۱۴-۱۳۰۰ ق. / ۱۷۹۹-۱۸۸۳ م.) بود. در ۱۲۹۶ ق. از وطن خود (چشت/ هرات) برآمده به هندوستان سفر نمود و با مشایخ و فقرای روزگار ملاقات کرد. در برگشت به وطن، کتابی در شرح این سفر با نام «ارمغان هندوستان» نگاشت که در ۱۳۱۱ ق. / ۹۴-۱۸۹۳ م. به کوشش مولوی محمدمراد کتابفروش در حیدرآباد دکن به چاپ رسید.^۲ من این سفرنامه را خوانده‌ام. اطلاعات بسیار مفید جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و علمی در باره هندوستان قرن نوزدهم دارد و شایسته است کسی این کتاب را با روش تحقیقی دوباره چاپ کند.

رجال هرات متوطن در شبه قاره

در باره رجال و اعلام هرات که هروی الاصل بودند و به شبه قاره رفتند و در آنجا توطّن اختیار کردند، در تذکره‌ها و کتب تاریخ از آنان یادی شده است و در باره آنان تحقیق جداگانه‌ای لازم است.^۳ خواندمیر هروی، شهاب‌الدین معمایی هروی و میر ابراهیم قانونی موسیقی‌نواز در سال ۹۳۵ ق. به دربار بابر رسیدند.^۴ میر محمد زاهد هروی (وفات: هزار و پنجاه و اند هجری) که هروی الاصل است، پدر وی محمد صالح به هندوستان رفت و در آنجا توطّن اختیار کرد. میر زاهد در دهلی به خدمت خواجه محمد باقی بالله نقشبندی احراری ملقب به خواجه بیرنگ (۹۷۲ ق. / ۱۵۶۵ م. در کابل - ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۱۲ ق. / ۱۶۰۳ م. در دهلی) رسیده بود. طبع

۱. همان، ج ۴، صص ۲۴۵۸-۲۴۵۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۲۸۹.

۳. علاقه‌مندان به این موضوع، در حدّ شرح حال شاعران هراتی در شبه قاره می‌توانند به کتاب کاروان هند تألیف احمد گلچین معانی مراجعه کنند.

۴. بابرنامه، ترجمه عبدالرحیم خان خانان، ۱۳۰۸ ق.، بمبئی، ص ۲۲۲.



شعر داشت و شعر می سرود.^۱ قاضی محمد اسلم هروی (وفات: ۱۰۶۱ ق./ ۱۶۵۱ م. در کابل) که جهانگیر پادشاه او را نخست منصب قضای کابل اعطا کرد، سپس قاضی لشکر مقرر داشت، در منابع تاریخی و رجالی شبه قاره مانند عمل صالح، مآثرالامرا، مرآت العالم، تاریخ محمدی، تذکرة علمای هند و طبقات شاه جهانی ذکر او آمده است. درویش واله هروی شاعر صاحب دیوان که نسخه های آن در کتابخانه های هند وجود دارد^۲، در زمان شاه جهان و اورنگ زیب در شهرهای مختلف هند می زیست و سرانجام در هند از دنیا رفت. دیوان این شاعر در هرات به وسیله دکتر خلیل الله فضلی در حال تصحیح است.

سفرنامه های هرات

برخی از علما و دانشمندان شبه قاره به هرات سفر کرده اند و سفرنامه هایی نگاشته اند که از آن میان به اینان می توان اشاره کرد:

۱. حامد بن فضل الله جمالی دهلوی (۸۶۳-۹۴۲ ق./ ۱۴۵۹-۱۵۳۶ م.) در سال های ۸۹۷ تا ۹۰۱ ق. سفر طولانی به بلاد اسلامی و حجاز داشته است. او به هرات نیز سفر کرد و در آن جا چند شب مهمان مولانا جامی بوده و از مشایخ آن جا نام می برد که به او لطف داشته اند. یک روز به اتفاق جامی و عبدالغفور لاری به زیارت آرامگاه امیر حسینی هروی نیز رفت. جمالی گزارش این سفر را در سیرالعارفین (چاپ دهلی، ۱۳۱۱ ق/ ۱۸۹۳ م) آورده است. گزیده سیرالعارفین که همراه با مرآت المعانی جمالی چاپ شده، در آن جا نیز رویداد این سفر آمده است، خلاصه مطلب بدین عبارت است:

این احقر انام، در ایام عزیمت کعبه فرجام، در شهر هری رسیده بود. به اکابر آن جای، مثل حضرت شیخ صوفی که از خلفای حضرت شیخ زین الدین خوافی بود، و حضرت شیخ محمد رومی ... و حضرت شیخ عبدالعزیز جامی ... و حضرت مولانای نورالدین عبدالرحمان جامی قدس سره ... و حضرت خلاصه علمای عظام شیخ الاسلام ... و حضرت مولانا مسعود شیروانی ... و حضرت مولانا حسین واعظ ... و حضرت مولانا عبدالغفور لاری ... اگر چه تمام این بزرگواران را با این حقیر محبتی عظیم بود و مودّتی

۱. اسراریه کشف صوفیه، تألیف کمال محمد سنبهلی واسطی، به تصحیح و تدوین مصباح احمد صدیقی، رامپور، ۲۰۱۳ م، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۲. دکتر غلام مجتبی انصاری (درگذشته ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۸) استاد و رئیس گروه فارسی دانشگاه بهار بابا صاحب بیم راو، امبیدکر، مظفر پور، بهار هند مقاله ای به فارسی در شرح حال واله دارد که در کتاب او «مشاهدات مجتبی از ایران با همراه هشت مقاله»، پتنه، ۲۰۱۲ م. چاپ شده است.



مستقیم داشتند، فامّا تکیه‌گاه این درویش، خانه مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی بود.^۱

۲. شیخ گنج احمد مغربی سرخیزی در ۹۴۵ق/۱۵۳۸م. سفر به سمرقند، چشت و هرات داشت و در هرات با مشایخ آن‌جا از جمله شهاب‌الدین خلوتی دیدار کرد. گزارش این سفر در کتاب مرقات الوصول الی الله و الرسول تألیف مولانا محمد بن قاسم آمده است. اصل کتاب به فارسی است که تا کنون چاپ نشده، ولی اخیراً ترجمه اردوی آن به قلم محبوب حسین احمد عباسی، از سوی کمیته آرامگاه شیخ سرخیزی در احمدآباد هند چاپ شده است.

برخی از دانشمندان معاصر شبه قاره نیز سفرنامه‌های افغانستان نوشته‌اند که بخشی از آن متعلق به هرات و چشت است زیرا برای زائران پاکستانی، زیارت آرامگاه‌های بزرگان چشت نیز جاذبه دارد. برخی از این سفرنامه‌ها به چاپ رسیده و برخی دیگر زیر چاپ است. چنان‌که:

۱. خواجه غلام معین‌الدین خان نظامی محمودی سلیمانی تونسوی همراه هیتی از چشتیان پاکستانی در ماه سپتامبر ۱۹۷۲م. به هرات و چشت رفت و سه مرید همراه او سفرنامه‌ای به زبان اردو نگاشتند. دست‌نویس این سفرنامه در اختیار مولانا محمدرمضان معینی در تونسۀ پاکستان است. از قرار اطلاع این سفرنامه به تصحیح مولانا معینی به زودی چاپ خواهد شد.

۲. پروفیسور سید حسن که در ماه مه ۱۹۷۶م. به هرات رفت و سفرنامه‌ای نوشت. ذکر این در بخش دوم این مقاله خواهد آمد.

۳. سفرنامه نگارنده این سطور با نام در «ملک سنایی»، به زبان اردو آماده چاپ است. در این کتاب گزارش دو سفر کوتاه من به هرات، در اگوست ۱۹۷۶ و جولای ۲۰۱۰م. آمده است.

۴. خواجه محمد اکرام‌الدین استاد بخش اردو، دانشگاه جواهر لال نهرو، دهلی برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی سلسله چشتیه: از هرات تا اجمیر، در روزهای اول و دوم سپتامبر ۲۰۱۸ به هرات رفت و گزارش این سفر را به عنوان «هرات سرزمین اولیا» به اردو نوشت. این گزارش در روزنامه‌ای در دهلی چاپ شد.

بخش دوم: زندگی‌نامه محققان شبه قاره (به ترتیب زمان حیات آنان)

۱. مرآت المعانی جمالی دهلوی، به انضمام گزیده سیرالعارفین، به تصحیح و با مقدمه نصرالله پورجوادی، تهران، ۱۳۸۴، صص ۱۴۵-۱۴۶.



محمد شفیع (۱۴ مارچ ۱۹۶۳ - ۶ اگوست ۱۸۸۳ م.) مصحح مطلع سعدین و مجمع بحرین: پروفیسور دکتور مولوی محمد شفیع در قصور، در حوالی لاہور پاکستان به دنیا آمد و در لاہور درگذشت و در همان جا مدفون است. او در ۱۹۱۳ م. در دانشگاه پنجاب لاہور فوق لیسانس عربی گرفت و با دریافت بورسیه از طرف حکومت بریتانیا، در ۱۹۱۵ م. رهسپار انگلستان شد و در ۱۹۱۹ م. در دانشگاه کمبریج دوره دکتوری را تکمیل کرد. پس از بازگشت به لاہور، به عنوان استاد عربی در دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب گمارده شد. او بین سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۲ م. رئیس دانشکده خاورشناسی نیز بود و در همان دانشگاه بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۳ م. مدیر اردو دائره معارف اسلامیه بود. او یکی از برجسته ترین نسخه شناسان، کتیبه خوانان، مصحح متون خطی و زبان دانان عربی و فارسی بود. مولوی محمد شفیع در لاہور کتابخانه ای بالغ بر ۵۰۰ نسخه خطی داشت که در آن بسیاری از آثار مربوط به هرات و خراسان نگه داری می شد. نسخه تحفه العجائب تألیف طایری زیارتگاهی (وفات: ۹۲۸ ق. / ۱۵۲۲ م.) در کتابخانه او بود. این طایری غزل مشهوری در وصف هرات دارد. او نسخه ای از مطلع سعدین به خط مؤلف را نیز داشت. فهرست کتابخانه وی را دکتور محمد بشیر حسین (۱۹۳۱-۱۹۸۳ م.) تهیه کرد که با نام فهرست مخطوطات شفیع (لاہور، ۱۳۵۱ ش. / ۱۹۷۲ م.) منتشر شد. متأسفانه پس از وفات مولوی محمد شفیع، کتابخانه او پریشان و متفرق شد و به این جا و آن جا فروخته شد. کارنامه علمی مولوی محمد شفیع بسیار بلند است از جمله:

۱. تصحیح تذکره میخانه تألیف ملا عبدالنبی قزوینی، لاہور، ۱۹۲۶ م.
 ۲. تصحیح مکاتبات رشیدی، رشیدالدین فضل الله، لاہور، ۱۹۴۵ م.
 ۳. تصحیح وامق و عذرا عنصری، لاہور، ۱۹۶۷ م، کشف این نسخه خود داستان جالبی دارد.
 ۴. مقالات مولوی محمد شفیع، به کوشش احمد ربانی، لاہور، ۱۹۶۷-۱۹۸۱ م، پنج جلد، در میان مقالات او، مقالاتی در باره هرات و مناطق اطراف نیز دیده می شود. در جلد اول که راجع به هنروران و خط و خطاطان است، در چند جا یاد از خطاطان و نقاشان هرات شده است. در دیگر مجلدات مقالاتی به شرح زیر متعلق به هرات است:
- «ادب عهد سلطان شاه رخ بن تیمور»، ج ۳، صص ۲۲۳-۲۳۶.



- «تاریخ هرات فامی»، ج ۳، صص ۲۳۸-۲۴۰.
- «فرائد غیائی و محتویات جالب آن»، ج ۳، صص ۳۷۱-۳۹۲.
- «اقتباس از تاریخ بیهق تألیف امام ابوالحسن علی بیهقی»، ج ۳، صص ۳۵۱-۳۷۴.
- «انتخاب تحفة الحبيب فخری (غزلی از خواجه کمال و مولانا عبدالرحمان جامی)»، ج ۴، صص ۲۶۲-۲۶۳.
- «آثار هرات (بر اساس نقشه‌ای که خانیکوف در ۱۸۵۸م. ترسیم کرده بود)»، ج ۴، صص ۲۷۵-۲۶۶.
۵. یادداشت‌های مولوی محمدشفیع راجع به تیمور و عهد وی، جمع و ترتیب سید وزیرالحسن عابدی، به سعی و اهتمام احمد ربانی، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۶۷م.

محمدزبیر صدیقی (۱۸ مارچ ۱۹۷۶ - ۱۸۹۶ م.) مصحح تاریخ‌نامه هرات:

در سالارپور بخش پتنه هند به دنیا آمد. پدر او حکیم مولوی محمداسحاق از پزشکان نامدار پتنه بود. امتحان مخصوص زبان و ادبیات عربی «مولوی فاضل» را در ۱۹۱۲م. در دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب لاهور گذرانید. دوره فوق لیسانس و لیسانس حقوق را در دانشگاه پتنه به اتمام رسانید. سپس از حکومت وقت کمک‌هزینه تحصیلی گرفت و رهسپار دانشگاه کمبریج شد و در آن‌جا زیر نظر ادوارد براون روی کتاب عربی فردوس‌الحکمه تألیف علی بن سهل ربّی طبری کار کرد که بعداً به تصحیح او در مطبع آفتاب برلین در ۱۹۲۸م. به چاپ رسید. پایان‌نامه دکتری او در دانشگاه کمبریج (۱۹۲۵م.) در مطالعات کتب پزشکی عربی و فارسی بود. بعداً این کتاب با نام *Studies in Arabic and Persian medical literature* در دانشگاه کلکته، ۱۹۵۹م. منتشر شد.

پس از بازگشت به هند، او از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹م. مدیر گروه عربی دانشگاه لکهنو بود. از ۱۹۲۹ تا ۱۹۶۲م. در گروه زبان‌های شرقی (عربی و فارسی) دانشگاه کلکته، استاد عربی و فارسی و فرهنگ اسلامی بوده است. در این مدت او روی علم حدیث مطالعات ویژه‌ای کرد و چند کتاب و گفتار به زبان انگلیسی نوشت و چاپ نمود که معروف‌ترین آن‌ها *Hadīth literature : its origin, development and special features* (نگاشته‌های حدیث) است که مکرر در هند و اروپا چاپ شده است. او در کلکته درگذشت و همان‌جا مدفون است.^۱

۱. مقاله «پروفسور محمدزبیر صدیقی» نوشته مشتاق احمد در کتاب *نثرنگاران بنگاله (۱۸۰۰-۱۹۵۰م.)*، جلد اول، تألیف الف انصاری، انتشارات وقار، کول کاتا، ۲۰۱۲م، صص ۱۹۴-۱۹۷؛ و فیات مشاهیر بهار، تألیف سید شاهد اقبال، دهلی، ۲۰۰۰م.



محمد اسحاق (۲ سپتامبر ۱۹۶۹ - یکم نوامبر ۱۸۹۸ م.)، مصحح روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات:

محمد اسحاق در کلکته به دنیا آمد و همان جا درگذشت. در ۱۹۲۳ م. از دانشگاه کلکته در ادبیات عربی فوق لیسانس گرفت. در ۱۹۳۸ م. به انگلستان رفت و وزیر نظر پروفیسور مینورسکی (V. Mi-norsky) کار کرد و در ۱۹۴۰ م. با نوشتن پایان نامه ای در باره شعر معاصر فارسی، از دانشگاه لندن، درجه دکتری اخذ نمود. وی در سال ۱۹۲۴ م. در بخش عربی و علوم اسلامی در دانشگاه داکا به عنوان دانشیار منصوب شد و بعد در سال ۱۹۲۶ م. در دانشکده اسلامیة (دانشکده مولانا آزاد کنونی) در قسمت عربی و فارسی منصوب گشت و سپس از سال ۱۹۲۷ م. تا بازنشستگی در دانشگاه کلکته به عنوان رئیس بخش عربی و فارسی خدمت کرد. وی در سال ۱۹۴۴ م. انجمن ایران در کلکته را تأسیس نمود که بعداً این انجمن از سال ۱۹۵۶ م. انتشار مجله وزین دوزبانه انگلیسی و فارسی در زمینه مطالعات ایران شناسی و ادبیات فارسی با نام ایندوایرنیکا (Indo-Iranica) را آغاز کرد. در کارنامه علمی دکتر محمد اسحاق آثاری به شرح زیر ثبت است:

۱. سخنوران ایران در عصر حاضر، به فارسی، کلکته، ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ م، در دو جلد.
۲. Modern Persian Poet. (شعر معاصر فارسی)، به انگلیسی، چاپ لاهور، منتشر شده در کلکته، ۱۹۴۳ م.
۳. Four Eminent Poetesses of Iran (چهار شاعره برجسته ایران)، به انگلیسی، کلکته، ۱۹۵۰ م.

۴. فهرست نسخه های خطی عربی در انجمن آسیایی کلکته، کلکته، ۱۹۵۱ م.
 ۵. تصحیح هفت اقلیم (اقلیم ثالث)، تألیف امین احمد رازی، کلکته، ۱۹۶۳ م.
- از کارهای نیمه تمام او تحقیقی در باره سخنوران فارسی در عهد غزنویان است.^۱

سید محمد عبدالله (۱۴ اگوست ۱۹۸۶ - ۵ آوریل ۱۹۰۶ م.) مصحح لطایف نامه فخری:

استاد ادبیات عربی، فارسی و اردو از سال ۱۹۳۴ م. تا واپسین نفس در دانشگاه پنجاب لاهور بود و در طول این مدت ریاست گروه های عربی و فارسی در دانشکده خاورشناسی و ریاست

۱. یادى از پروفیسور محمد اسحاق ہندی مؤسس بزم ایران در کلکته، (خطابه ای که به مناسبت سالگرد وفات پروفیسور محمد اسحاق در تهران ایراد شد)؛ رویندرا موهن چوپرا، «فارسی در بنگالہ» ترجمه خان محمد صادق جونپوری، قند پارسی، نشریه راینی فرهنگی ایران در دهلی نو، شماره ۶۵-۶۶، پاییز- زمستان ۱۳۹۳، ویژه نامه زبان و ادب فارسی در بنگالہ، صص ۸-۲۶؛ «دکتر محمد اسحاق»، صص ۹۳-۱۱۵.



دانشکده خاورشناسی و مدیریت طرح تاریخ ادبیات مسلمانان پاک و هند و اردو دائرة معارف اسلامیة را به عهده داشت. «سهم هندوان در میان ادبیات فارسی» از آثار معروف اوست که به فارسی ترجمه شده است. او در لاهور درگذشت.

سید حسن (۱۸ نوامبر ۱۹۸۸ - یکم ژانویه ۱۹۱۱ م.) مصحح دیوان رکن صائن هروی:

پروفسور سید حسن، متولد شیخ پوره، مونگیر در ایالت بهار هند، نخست استاد فارسی در پتنه کالج در شهر پتنه بود، بعد به مؤسسه تحقیقات و تتبعات در زبان و ادبیات فارسی و عربی پتنه رفت و در نهایت از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸ م. در دانشگاه پتنه ریاست گروه فارسی را به عهده داشت. در ۱۹۵۵ م. برای بازآموزی زبان فارسی به تهران رفت و با استادان ایرانی آشنا شد.^۱ او در مجلس بزرگداشت از هزارمین سال تولد خواجه عبدالله انصاری که در ۱۲ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۵ ش. / ۱۹۷۶ م. در کابل و هرات برپا شد، نیز شرکت کرد و از ۲۹ آوریل تا ۸ مه ۱۹۷۶، هشت روز در آن سرزمین به سر برد. او گزارش این سفر را با عنوان «افغانستان میں آٹھ روز» (هشت روز در افغانستان) با جزئیات نوشته که در دو قسمت در مجله معارف، اعظم‌گره، شماره‌های سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۶ م. منتشر شد. سفر به هرات برای او سفر رؤیایی بوده است، چنان که می‌نویسد: «از سال ۱۹۵۷ که دیوان رکن صائن هروی را ترتیب و تحشیه نموده، چاپ کردم، در دل، آرزوی دیدن هرات را داشتم. اکنون که این آرزو برآورده شد، احساسات عجیبی دارم و خدا را شکر می‌گویم که او در قسمت من زیارت این شهر را نوشته بود و الا در خواب هم امیدی نداشتم که این جا را بینم. بخت یآوری‌ام کرد و الا من کجا و دیدار هرات کجا؟»^۲ این گزارش سفر از دیدگاهی دیگر نیز حایز اهمیت است. او در سال ۱۹۶۲ م. دانشمندان پیر و جوان افغانستان را دیده و در باره علم و فضل آنان اظهار نظر کرده است و با برخی روابط شخصی برقرار کرد. اگر کسی این سفرنامه را از اردو به فارسی برگرداند، تصویر پنجاه سال پیش کابل و هرات و قندوز، به خوبی ترسیم خواهد شد. کارنامه علمی او به شرح زیر است.

۱. تصحیح مجموعه اشعار مولانا برهان‌الدین مظفر شمس بلخی (وفات: ۸۰۳ ق. /

۱۴۰۱ م.)، پتنه، ۱۹۵۸ م.

۲. تصحیح تذکره ریاض الوفاق تألیف ذوالفقار علی مست بنگالی، پتنه، ۱۹۶۷ م.

۳. انتخاب ادبیات فارسی، اله آباد، ۱۹۷۰ م، کتاب درسی است.

۱. شیرازة وجود (خودنوشت سید حسن) در سلک کلک، پتنه، ۱۹۷۴ م، سید حسن خود می‌گوید که تاریخ تولدش معلوم نیست ولی در کتاب وفیات مشاهیر بهار تألیف شاهد اقبال (ص ۵۲) تاریخ تولد او یکم ژانویه ۱۹۱۱ م. ثبت شده است.

۲. معارف، اعظم‌گره، سپتامبر ۱۹۷۶ م، صص ۱۸۵-۱۸۶.



۴. سلک کلک، مجموعه مقالات اردو و فارسی، پتته، ۱۹۷۴م.

حسام الدین راشدی (یکم آوریل ۱۹۸۲م. - ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۱م.) مصحح آثار فخری هروی: از دانشمندان، تذکره نویسان و تاریخ دانان سند پاکستان بود. بیش تر کارهای او در حوزه تاریخ و ادبیات فارسی در سند است. او در پاکستان مصحح برجسته متون خطی به شمار می رود. کارهای او در ایران، افغانستان و آسیای میانه به نگاه تحسین دیده می شود و بسیاری از محققان ادبیات فارسی منطقه در حلقه دوستان او بوده اند، چنان که از افغانستان عبدالحی حبیبی در زمان تبعید در کراچی، با راشدی مرادوت و هم کاری علمی داشته است. در کارنامه علمی او چندین کتاب است که در این جا فقط به چند اثر اشاره می شود:

۱. تصحیح مکی نامه تألیف علی شیر قانع تتوی، کراچی، ۱۹۵۶م.
۲. تصحیح مقالات الشعرا تألیف علی شیر قانع تتوی، کراچی، ۱۹۵۷م.
۳. تصحیح تکملة مقالات الشعرا تألیف مخدوم محمد ابراهیم خلیل تتوی، کراچی، ۱۹۵۸م.
۴. هفت مقاله (در زمینه ادبیات فارسی)، کراچی ۱۹۶۷م.
۵. تصحیح تذکره شعرا تألیف اصلح متخلص به میرزا، کراچی، ۱۹۶۷م.
۶. تألیف تذکره شعرا کشمیر، در چهار جلد، کراچی، ۱۹۶۷-۱۹۶۹م.
۷. تصحیح مثنوی مهر و ماه تألیف جمالی دهلوی، راولپندی، ۱۹۷۴م.
۸. تصحیح تذکره ریاض العارفین تألیف آفتاب رای لکهنوی، دو جلد، اسلام آباد، ۱۹۷۷-۱۹۸۲م.^۱

یادداشت ها

محمد ماه صداقت کنجاهی، برادرزاده محمداکرم غنیمت کنجاهی صاحب مثنوی «نیرنگ عشق» بود. پدرش پیش نواب ارادتمندخان شرف الدوله بهادر به تحویل خزانه مأمور بود و در مهمات ملکی هم رکاب او می بود. وقتی مأموریتی در کابل داشت، صداقت در کابل به دنیا آمد. ولی تربیت او در پنجاب، به قصبه کنجاه روی داد زیرا از ابا عن جد آن جا سکونت داشت چنان چه خود می نویسد: «من که فارسی زبان، هندی نژاد و کابلی مولد، پنجاب منشأم»^۲. پس از درگذشت پدرش، از طرف نواب موصوف، قایم

۱. عارف نوشاهی، «راشدی، پیر حسام الدین»، دانش نامه ادب فارسی: ادب فارسی در شبه قاره، به سرپرستی حسن انوشه، تهران، ۱۳۸۰، ج ۴، صص ۱۲۲۳-۱۲۲۵.

۲. صداقت کنجاهی، محمد ماه، ثواقب المناقب، ص ۱۵۴.



مقام پدر گردید و بیش‌تر زندگانی خود را در شاه‌جهان‌آباد (دهلی) به سر برد. در حین اقامت در شاه‌جهان‌آباد، با شاعران و نویسندگان روزگار مانند سراج‌الدین علی خان آرزو، بندربین داس خوشگو و آنندرام مخلص پیوند دوستی برقرار کرد. آرزو در مجمع‌النفایس، خوشگو در سفینه خوشگو و مخلص در کارنامه عشق و مرآت الاصطلاح از او به نیکی یاد کرده‌اند. صداقت در طریقه قادریه نوشاهیه مرید حاجی عبدالرحمان شاه‌جهان‌آبادی بود و به سفارش مراد خود در ۱۱۲۶ ق. کتابی با نام «ثواقب المناقب» در شرح احوال مشایخ قادریه نوشاهیه تألیف کرد. او انشاپرداز زبردست و شعرگوی نازک‌خیال بود. حدود ده اثر به نثر و نظم داشت ولی روزی همه را به آب شست. اکنون علاوه بر ثواقب المناقب، فقط دو اثر دیگر او با نام مثنوی «خط بغداد» و رساله «شجره طیبه» موجود است. صداقت در ۱۱۴۸ ق. درگذشت. نگارنده این سطور اشعار پراکنده صداقت کنجاهی را در یک مجموعه گرد آورده که با تقریظ و مقدمه استاد خلیل‌الله خلیلی، در اسلام‌آباد، ۱۹۸۸ م. به چاپ رسیده است. هم‌چنین در این ایام مشغول تصحیح ثواقب المناقب وی هستیم.

فهرست منابع

- افضل‌ی، خلیل‌الله، (۱۳۹۵)، «سرگذشت نسخه کابل مجموعه لطایف و سفینه ظرایف»، مجله دانش، اسلام‌آباد، شماره ۱۲۴، صص ۷-۱۲.
- اوجبی، علی، (۱۳۹۵)، فرزند هرات (ارج‌نامه نجیب مایل هروی)، تهران، شهر کتاب.
- جمالی‌دهلوی، حامد، (۱۳۸۴)، مرآت المعانی به انضمام گزیده سیر العارفین، به تصحیح و با مقدمه نصرالله پور جوادی، تهران.
- چغتایی، محمداکرم، (۲۰۱۳)، استاد الاساتذہ مولوی داکتر محمد شفیع کی علمی و تحقیقی خدمات نشریات، لاهور.
- رویندرا موهن چوپرا، (۱۳۹۳)، «فارسی در بنگاله» ترجمه خان محمد صادق جونپوری، قند پارسی (ویژه‌نامه زبان و ادب فارسی در بنگاله)، نشریه رایزنی فرهنگی ایران در دهلی نو، شماره ۶۵-۶۶، صص ۸-۲۶. نیز: «دکتر محمداسحاق»، در همان شماره، صص ۹۳-۱۱۵.
- سنبهلی واسطی، کمال محمد، (۲۰۱۳)، اسراریه کشف صوفیه، به تصحیح و تدوین مصباح‌احمد صدیقی، رامپور، کتاب‌خانه رضا.
- سید حسن، (۱۹۷۴)، شیرازه وجود (خودنوشت سید حسن) در سلک کلک، پتته.





- _____، «افغانستان میں آٹھ روز» (هشت روز در افغانستان)، معارف، اعظم گره، سپتامبر ۱۹۷۶م.
- صداقت کنجاهی (متولد کابل)، محمد ماه، ثواقب المناقب، نسخه خطی (الف)، به خط شریف احمد شرافت نوشاهی، ۱۳۴۶ق، در کتاب خانه عارف نوشاهی، اسلام آباد.
- شاهد اقبال، سید، (۲۰۰۰)، وفيات مشاهیر بهار، دهلی.
- شیرانی، حافظ محمود خان، (۱۹۷۲)، مقالات شیرانی، به تدوین مظهر محمود شیرانی، لاهور: مجلس ترقی ادب.
- _____، (۱۹۲۴)، «رفع اشتباه دیوان منسوب به معین الدین اجمیری»، اورنگ آباد، شماره جولای.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۴)، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- _____، (۱۳۶۹)، حماسه سرایی در ایران، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- ظل الرحمان، حکیم سید، (۲۰۰۷)، مقدمه عین الحیات تالیف محمد بن یوسف هروی، علی گره، ابن سینا اکادمی.
- قانع تنوی، میر علی شیر، (۱۹۵۷)، مقالات الشعرا، به تصحیح و حواشی سید حسام الدین راشدی، کراچی: سندی ادبی بورڈ.
- گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۹)، کاروان هند، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- _____، (۱۳۵۰)، «معین الدین چشتی و معین الدین فراهی»، یغما، تهران، صص ۱۷۷-۱۷۹.
- _____، (۱۳۴۳)، «تحفة الحبيب»، فرهنگ خراسان، مشهد، شماره خرداد، صص ۷-۱۷.
- مشتاق احمد، (۲۰۱۲)، «پروفسور محمد زبیر صدیقی»، نثرنگاران بنگاله (۱۸۰۰-۱۹۵۰م)، جلد اول، تألیف الف انصاری، انتشارات وقار، کول کاتا.
- منزوی، احمد، (۱۹۸۳-۱۹۹۷م)، فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴ جلد.
- نوشاهی، عارف، (۱۳۸۰)، احوال و سخنان خواجه عییدالله احرار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____، (۱۳۹۱)، کتاب شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) از ۱۱۶۰-۱۳۸۶ش. / ۱۱۹۵-۱۴۲۸ق. / ۱۷۸۱-۲۰۰۷م، چهار



جلد، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- _____، (۱۳۹۶)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (فهرست ۸۰۰۰ نسخه خطی کتاب‌خانه‌های شخصی و دولتی)، چهار جلد، تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- یادی از پروفیسور محمداسحاق هندی مؤسس بزم ایران در کلکته، (خطابه‌ای که به مناسبت سالگرد وفات پروفیسور محمداسحاق در تهران ایراد شد)، (بی‌تا)، تهران: بی‌نا.

_ A University Savant (Contribution of Mawlawi Dr.Muhammad Shafi to Oriental Learning) edited and annotated by M.Ikram Chaghatai, Oriental Publications, Lahore, 2013.

_ Arabic and Persian in Carnatic, 1710-1960 by Muhammad Yousuf Kokan, Madras, 1974, pp.372-73.

